

سنگال: 1974 تا امروز

آلیو دربوره

نوشته شده در آوریل 2010

آپ دیت شده در سپتامبر 2010

زمان : 1974 تا امروز

هدف از مبارزه: جنبش مبارزه خواهی

هدف: میتره عبد الله واد Maitre Abdoulaye Wade

جنبش: گروه های سیاسی مخالف، دانشجویان، رهبران مذهبی و اجتماعی، روزنامه نگاران و سازمان دهندگان رسانه ها.

خلاصه مبارزه:

تا چهل سال پیش از مارس سال 2000 میلادی، سنگال تحت حاکمیت یک حزب سوسیالیست بود. لیوپولد سدار سنگور Leopold Sedar Senghor، اولین رییس جمهور سنگال از زمان استقلال در چهارم آوریل 1960 بود و پس از او جانشین انتصابی اش عبدو ضیوف Abdou Diouf در سال 1981 به ریاست جمهوری رسید. مردم در حمایت از این حزب متحد بودند چرا که چندین سال پس از استقلال هم همچنان تب ضد استعماری در میان مردم وجود داشت و سنگال تنها به ظاهر یک حکومت چند حزبی دموکرات داشت. به عنوان کرسی سابق مستعمرات فرانسه در آفریقای غربی، سنگال به عنوان کشوری مستقل، پتانسیل زیادی برای موفقیت داشت چرا که زیرساخت های سیاسی و آموزشی برای یک دموکراسی موفق وجود داشت.

حزب سوسیالیست به حکومت با روش های استعماری و اختیارات گسترده ریاست جمهوری ادامه می داد. ادامه این وضع با ظهور طبقه اشراف پسا-استعماری، گسترش نابرابری های اقتصادی، به ویژه در مناطق مختلف سنگال، مخالفت هایی را با

حزب سوسیالیست حاکم و رییس جمهورهای برآمده از آن، سنگور و عبدو ضیوف، به دنبال داشت. علاوه بر آن، مانند بیشتر کشورهای آفریقایی در آن زمان، شانس سنگال به دنبال خسارت هایی که برنامه های غیرمحبوب ساختاری و تنظیمی در دهه هشتاد به کشور وارد نمود کاهش یافت؛ برنامه هایی که با مشاورت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول اجرایی شده بود.

افزایش نارضایتی ها از سیاست های حزب سوسیالیست شعله شکل گیری جنبش های مخالف را روشن کرد که از جمله آن می توان به جنبش های قدرتمند دانشجویان و کارگران اشاره کرد. اواخر دهه هشتاد و دهه نود شاهد بازگشت گسترده سازمان های مدنی ای بود که در دوران ریاست جمهوری سنگور سرکوب شده و از میان رفته بودند. در این دوران بازگشت، سندیکاهای مستقل تجاری و کاری شکل گرفتند که در لابی کردن و به چالش کشیدن دولت به نفع اعضای خود بسیار مصمم بودند. نمونه هایی نظیر اتحادیه های کارگری از قبیل (UNSAS) اتحادیه مستقل کارگری سنگال که به صورت گسترده ای به خصوصی سازی و سایر سیاست های حکومت اعتراض می کرد، اتحادیه های معلمان (SUDES) مانند اتحادیه دموکراتیک معلمان سنگال، و نیز سازمان های حقوق بشری مانند (RADHO) سازمان ملی حقوق بشر، در کنار سایر سازمان ها و گروه هایی که به کاهش فضای کنش سیاسی شهروندان و ایجاد مزاحمت برای رقبای سیاسی حاکمان اعتراض می کردند، فعالیت می کردند. این اعتراضات در زمان هایی که عبدالله واد، که بعداً رهبر اپوزسیون شد، دستگیر و یا زندانی می شد شدت می گرفت. بخش عمده ای از این اعتراضات به مردم استان های تولیدکننده محصولات کشاورزی مانند کازامنس Casamance مربوط می شد، چرا که آنان او را واقف به دردهایشان می دانستند.

شاید بزرگترین چالش پیش روی دولت سوسیالیستی زمانی پدیدار شد که گروهی از روستاییان از استان کازامنس به مبارزه چریکی ای که توسط جنبش کازامنس (MFDC) رهبری می شد پیوستند. این جنبش در اوایل دهه هشتاد به دنبال جدایی از سنگال بود. فعالین این جنبش در دهه نود و زمانی که معتقد بودند دولت سنگال از قول خود مبنی بر استقلال بیشتر عقب نشینی کرده است به مبارزات مسلحانه ای سرسختانه ای روی آوردند.

در نتیجه افزایش سطح نارضایتی ها و بسیج عمومی برای تغییر وضعیت موجود، ائتلافی از احزاب مخالف سنگال که توسط عبدالله واد و حزبی که او رهبری کرد به حاکمیت حزب سوسیالیست در دور دوم رای گیری سال 2000 پایان دادند.

اما فقط چند ماه طول کشید تا این ائتلاف نیز از هم بگسلد، و آن زمانی بود که احزاب کوچک تر اپوزسیون عبدالله واد و حزب اش را به پیگیری نکردن اهداف ائتلاف متهم کردند.

تایخچه سیاسی:

سنگال در میان کشورهای آفریقایی بیشترین سابقه ی دموکراسی را دارد. در حالی که جنگ داخلی توسعه در قسمت هایی از استان جنوبی کازامنس را با مشکل رو به رو کرده است، سنگال از زمان استقلال صاحب حکومتی دموکراتیک و مبتنی بر قانون اساسی مانده است. هرگز کودتایی در سنگال اتفاق نیفتاده است که در نوع خود استثنا است چرا که کودتا و جنگ داخلی تقریباً همه کشورهای غرب آفریقا از جمله غنا، نیجریه، سیرالئون، توگو، لیبیا، گینه بیسائو، گینه کوناکری و به تازگی گامبیا و ساحل عاج را تحت تاثیر قرار داده است. بنابراین سنگال به عنوان نمونه ای درخشان از دموکراسی در منطقه خودنمایی می کند و جایی درکنار غنا، بوتسوانا و آفریقای جنوبی دارد. مانند بسیاری از کشورهای آفریقایی درخواست سنگال برای استقلال پس از آن که غنا در سال 1957 استقلال خود را به دست آورد و گینه کوناکری در برابر قوانین loi Cadre مقاومت می کرد شدت یافت.

سنگال در چهارم آوریل 1960 و تحت رهبری سنگور که تا اول ژانویه 1981 حکومت می کرد مستقل شد. لئوپولد سدار سنگور بلوک دموکراتیک سنگال را در سال 1948 بنیان گذاری کرد. ده سال بعد و در سال 1958، به موازات افزایش تقاضا برای استقلال بلوک دموکراتیک سنگال با یک حزب دیگر ادغام شد تا «اتحاد مترقی سنگال» را که از سال 1976 به حزب سوسیالیست معروف شد را تشکیل دهد. زمانی که سنگال در سال 1960 استقلال خود را به دست آورد، سنگور با اکثریت قاطع آرا به ریاست جمهوری این کشور انتخاب شد. او طرفدار یک «سوسیالیسم آفریقایی» میانه رو بود که از بی خدایی و مادی گرایی به دور بود. اما همان طور که پیشتر هم گفته شد دموکراسی تک حزبی او به سرعت توسط دانشجویان و سایر اتحادیه ها با مخالفت رو به رو شد. این اعتراضات زمانی آغاز شد که سنگور اکثر احزاب رادیکال در سنگال را از جمله (PRA) و حزب استقلال آفریقا (PAI) را غیر قانونی اعلام کرد. این حزب یک حزب مارکسیست-لنینستی و پان آفریقایی بود که تاکید زیادی بر ملی گرایی داشت. اگرچه PAI منحل شد اما گروهی از رهبران اش که در آن دوره، دهه شصت میلادی، دانشجوی بودند امروز از چهره های سیاسی مخالف اند.

بیست و هفتم می 1968، انجمن دانشجویان سنگالی و انجمن دانشجویایی داکار فراخوان اعتصابی نامحدود و تحریم امتحانات را اعلام کرد. دانشجویان به تمامیت خواهی اتحاد مترقی - (که بعد ها حزب سوسیالیست شد) اعتراض داشتند. تکثرگرایی سیاسی وجود نداشت و این برای دانشجویانی که به صورت سیاسی از دوران پیش از استعمار فعال بودند عامل نگرانی بود. دانشجویان همچنین نگران دخالت فرانسه در اداره امور کشور بودند که به نظر آنان تمسخر استقلال سنگال بود. زمانی که پلیس وارد محوطه دانشگاه شد تا اعتراضات را آرام کند شورش به پا شد. بنا به گزارش ها یک دانشجو کشته شد و بیش از 900 نفر دستگیر شدند از جمله 800 دانشجو و کارگری که از کشور اخراج شدند. سنگور به صورت موقت بزرگترین و معروف ترین دانشگاه فرانسه زبان غرب آفریقا، دانشگاه داکار، را تعطیل نمود و وضعیت فوق العاده اعلام کرد.

حکومت و چند تحلیل گر سیاسی اعتصاب های سال 1968 را وابسته به تحریک خارجی ها دانستند و آن را مشابه اعتصابات آن دوره در فرانسه خواندند. اما زمانی که اعتصاب دانشگاه ها در ماه های ژوئن و جولای سال 1969 مجدداً آغاز شد، بدون اعتصابات مشابهی در فرانسه، ماهیت داخلی اعتراضاتی که توسط دانشجویان رهبری می شد روشن شد. همزمان با آماده نبودن برای پایان نظام تک حزبی و با شکست سرکوب اتحادیه های دانشجویی به وسیله قوانین ضد- آزادی بیان، سنگور تلاش کرد با مطرح کرده طرح «جامعه نو» جوانان را به سیستم تک حزبی علاقه مند کند. او برای این کار شعبه های جوانان حزب اش را در دانشگاه های مهم و چند دانشگاه فنی ایجاد کرد. او همچنین فکر تاسیس اتحادیه کارگری خودش رو هم کرد تا با نفوذ رو به افزایش سازمان های کارگری متمایل به عبدالله واد و حزب او مقابله کند. بر اثر این مانورها، کاهشی در فعالیت های سیاسی دانشجویان و معترضین کارگری دیده شد که به سنگور و حزب او طعم تازه ای از کنترل را چشاند.

سنگور به صورت داوطلبانه بازنشسته شد و قدرت را به کسی که خود می خواست، عبدو ضیوف، واگذار کرد. در ژانویه سال 1981 او عبدو ضیوف را پس از ارتقای سریع و ماموریت های ویژه به جانشینی خود برگزید. ضیوف به اداره کشور بر پایه سیاست های سنگور ادامه داد اما اجازه داد 14 حزب سیاسی مخالف نیز در انتخابات سال 1983 به رقابت بپردازند، سنگور تنها به چهار حزب دیگر این اجازه را می داد. بر اساس نظر ناظران سیاسی، این تصمیم تنها بر پایه به

رسمیت شناختن حقوق برای کسب قدرت سیاسی نبود، بلکه حرکتی آگاهانه برای تفرقه میان گروه های اپوزسیون بود. رییس جمهور، عبدو ضیوف انتخابات سال 1983 را با اختلاف زیاد - با کسب 83 درصد آرا- برد. این انتخابات در واقع تقویت نظام تک حزبی سنگور بود و انتخابات آزادی به نظر نمی آمد. مامورین انتخاباتی از طرف وزارت داخله می آمدند و دموکراسی چند حزبی تنها در اوایل راه بود.

در جریان آمادگی برای برگزاری انتخابات در سال 1988، احزاب مخالف تلاش کردند تا ائتلافی به وجود آورند و رییس جمهور عبدو ضیف و حزب سوسیالیست او را به چالش بکشند. ائتلافی که در سال 1985، ایجاد شد توسط حکومت به این بهانه که بر اساس قانون اساسی کشور غیر قانونی است ملغی شد. در نتیجه در همان سال 1985، احزاب مخالف اعتراضی را ترتیب دادند و عبدالله واد به صورت موقت برای ترتیب دادن یک تظاهرات غیر قانونی بازداشت شد. در فوریه 1988، بدون ائتلاف مخالف، عبدو ضیوف به سادگی برنده انتخابات شد. اگرچه ده درصد کمتر از پیروزی سال 1983 رای کسب کرد، 72 درصد از آرا را به خود اختصاص داد در حالی که واد نزدیک به 26 درصد آرا را کسب کرد، البته مخالفان احتمال تخلف انتخاباتی را نیز مطرح کردند. اعتراض ها و ناآرامی های سیاسی اتفاق افتاد و رییس جمهور مانند سلف خود در سال 1968 پاسخ اعتراضات دانشجویی را داد. ضیوف وضعیت فوق العاده اعلام کرد و عبدالله واد را تا ماه می سال بعد زندانی کرد.

پس از سال 1988، امیدهایی که برای تغییرات بنیادین سیاسی به عبدو ضیف بود همه از میان رفت. او به مسند ریاست جمهوری تکیه زد و به حملات و سرکوب مخالفان ادامه داد. توسعه اجتماعی و روستایی اندکی پیش رفت و در همین حین فاصله طبقاتی میان مناطق مختلف کشور افزایش یافت. در همین زمان عبدو ضیف دوستی موریتانی و گامبیا - دو همسایه نزدیک جغرافی و فرهنگی- را نیز از دست داد. در آوریل سال 1989، بحران های مرزی میان موریتانی و سنگال شدت گرفت که به درگیری میان قومی در دو طرف مرز انجامید. تنش با گامبیا نیز در مناطق معروف به «سنگامیبای بزرگ» پس از خشونت های فزاینده میان سنگالی ها و مورتانایی ها قوت گرفت. گامبیا که پیوندهای قومی و فرهنگی و اجتماعی زیادی با هر دو کشور دارد از نظر نظامی در برابر موریتانی و پشت سنگال نمی ایستاد. این اتفاقات به همراه حس ناخوشایندی که اکثر گامیبایی ها درباره توافقنامه کنفدراسیون سنگامبیا داشتند همزمان شد و این کنفدراسیون ملغی اعلام شد.

علاوه بر چالش های منطقه ای، بالا رفتن سرسام آور قیمت کالاهای اساسی سطح نارضایتی را در دوران ریاست جمهوری عبود ضیوف بالا برد تا جایی که سهم او از آرای مردمی در سال 93 به 58 درصد کاهش یافت. او در سال 91 طول دوره ریاست جمهوری را دو سال افزایش داد به همین خاطر انتخابات 1993 او را به مدت هفت سال در کاخ ریاست جمهوری نگاه داشت.

در طی این زمان، فعالیت های دانشجویی در سنگال از سر گرفته شد. در کنار فعالیت های دانشجویی در چند کشور دیگر آفریقایی، از سر گیری این مبارزات در سنگال می توانست در پاسخ به عقب نشینی دولت از «مسئولیت های رفاه» اش تعبیر شود [مراد نویسنده مزایایی است که در حکومت های سوسیالیستی دولت ملزم به انجام آنها است مانند آموزش و درمان رایگان]. سنگال از زمان استقلال اش یک دولت رفاه [سوسیالیستی] بوده است اما تا دهه هشتاد و اوایل نود پیشنهاد های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به کاهش چشمگیر هزینه های دولتی و تعدیل های گسترده انجامید. در پاسخ، دانشجویان اعتراض کردند و همراه با سازمان های کارگری برای بازگرداندن خدمات اجتماعی از جمله تحصیل رایگان راهپیمایی کردند. علاوه بر آن تا اواخر دهه هشتاد برخی از چهره هایی که به عنوان رهبران دانشجویی دهه شصت فعالیت می کردند و نیز اعتراض ها علیه حکومت سنگور را رهبری می کردند خود به سیاستمدارانی مورد اقبال جوانان بدل شدند. همین طور گروهی از استادان دانشگاه مانند ایبدر صیام از حزب کنوانسیون دموکراتیک ملی (CDP) به چهره های بدل شدند که برای به چالش کشیدن حکومت الهام بخش دانشجویان بودند. این گروه از سیاستمداران مخالف که توسط عبدالله واد رهبری می شدند با آگاهی از این که نارضایتی از ضیوف در دانشگاه اصلی داکار به شدت افزایش یافته است دانشجویان را تشویق کردند تا به Sopi یا «ائتلاف تغییر» پیوند تا در برابر ضیوف در انتخابات سال 2000 صف آرایی کنند.

در اولین دوره رای گیری، ضیوف نتوانست اکثریت مطلق آرا را به دست بیاورد و با 41 درصد بالاتر از عبدالله واد با سی درصد ایستاد. در دوره دوم انتخابات ائتلاف مخالفان که توسط واد رهبری می شد و از سوی سازمان های دانشجویی نیز مورد حمایت بود رییس جمهور ضیوف را شکست داد. ضیوف شکست را پذیرفت و دولت را به صورت صلح آمیز به واد تحویل داد که موفقیت بزرگی برای دموکراسی سنگالی بود.

واد که برای مدت های طولانی اپوزسیون حکومت سنگال بود و به دفعات دستگیر و زندانی شده بود و عده داد که در صورت پیروزی تغییرات دموکراتیک شگرفی را به اجرا می گذارد. به جای آن، علی رغم انتظار بسیاری، واد قانون اساسی جدیدی پیشنهاد کرد که در سال 2001 تایید شد و به موجب آن حق مردم برای برگزاری اعتراضات کاهش پیدا کرد. بند 25 هر گونه اعتراضی را که به توقف اقتصادی منجر شود را ممنوع اعلام می کند که به منظور کاهش توان اعتراض ها به عنوان وسیله ای بی خشونت برای بیان اعتراض سیاسی به کار می رود. او قدرت رییس جمهور را افزایش داد و شرایط توافقنامه ائتلاف را که او را به مسند قدرت رساند تغییر داد. هر چند، واد سهم سنگال در مناسبات بین المللی را افزایش داد و اقتصاد را توسعه داد اما بخش های محروم و روستایی سنگال همچنان به حال خود رها شده اند. او همچنان توانست در استان کازامنس صلح برقرار کند و طول دوران ریاست جمهوری را از هفت سال به پنج سال کاهش داد. اما تغییرات برای این که مخالفان را از حکومت واد راضی کند کافی نبود و شرکای قبلی او در ائتلاف به رقبای او تبدیل شدند. به هر جهت او در سال 2007 دور دوم ریاست جمهوری را با 55 درصد آرا برد.

کنش های استراژیک :

سنگال با مفهوم کنش سیاسی بی خشونت بیگانه نیست. در واقع بسیاری از صاحب نظران معتقداند در میان کشورهای فرانسوی زبان آفریقا سنگال صاحب قدیمی ترین فرهنگ مشارکت سیاسی است. این به سبب حضور سنگال در شورای استعماری فرانسه در غرب آفریقا است و نیز بسیاری از سنگالی ها از «مبارزات استقلال» با افتخار نام می برند. سنگالی ها از راه های نوشتن، راهپیمایی، و سایر مدل های اعتراضی مقاومت کردند. میراث قهرمانان کارگری و جنبش های ضد استعماری همچنان در جامعه سنگال وجود دارد.

فعالیت های بی خشونت سنگالی ها اعتصابات کارگران راه آهن را در میانه قرن بیستم را نیز در کارنامه دارد که نقطه عطفی در مبارزات بی خشونت و مقاومت مدنی در شبه قاره غرب آفریقا است. از سال 1947 تا 1948، در خطوط آهن غرب آفریقا کارگران در اعتراض به حقوق پایین و شرایط بد کاری دست به اعتصاب زدند که عمده آن در سنگال بود. خاطرات آن دوران یادآور تب آن دوران و این نکته است که نسل قبل چقدر سرسختانه برای آزادی هایی که سنگالی ها

اکنون از آن بهره منداند جنگیده اند. این داستان های شجاعانه الهام بخش کتاب های زیادی بوده اند از جمله رمان معروف «God's Bits of Wood» که به وسیله عثمان سمبینه نوشته شد و نیز گروهی دیگر از چنین آثار نوشته فردریک کوپر. همچنان که سنگالی ها به رتق و فتق امور کشور پس از استقلال ادامه می دادند فعالیت های مشابهی برای دفاع از آزادی های به دست آمده صورت می گرفت.

اولین جنبش های بی خشونت در سنگال توسط دانشمندان و رهبران مذهبی مسلمان شکل گرفت. مقاومت آنها علیه تاثیر استعمار بر فرهنگ و دین بود. این موضوع به سبب نقش کلیسا در حمایت از استعمار شدت بیشتری گرفت. تحت رهبری رهبران مسلمانان در کشور نظیر شیخ احمدو بامبا، حاج مالک سی، سدینا لیمامو لیا، مسلمانان سنگال اسلام را به عنوان عامل وحدت بخش علیه استعمار می دیدند. بعضی اتفاقات معروف با شرکت شیخ احمدو بامبا، پیشرو و پدیدآورنده مریدیه، قوی ترین احد اخوت اسلامی در سنگال، انجام می شد. او سلسله مبارزات بی خشونت را علیه استعمارگران رهبری می کرد و به همین سبب دستگیر شد و به مدت هفت سال – از 1895 تا 1902- را در گابن در تبعید به سر می برد و پس از آن هم از 1903 تا 1907 را در موریتانی سپری کرد. بامبا آنچه او جهاد اکبر برای خلوص روحی و استقلال مادی می خواند را پیش می برد. نفوذ او در پی ادعاهای قدرت عرفانی و قدسیت او بیشتر شد. او نسبت به نفوذ فرانسه بر اسلام بدبین بود، اما این بدبینی فرانسوی ها به نفوذ رو به گسترش او بود که سرانجام بامبا را به مقاومت مدنی علیه استعمار کشاند. سوءظن فرانسوی ها بر این واقعیت استوار بود که رهبران مسلمان مانند شیخ عمر تال و سموری توره هر دو در گذشته علیه فرانسه اعلان جنگ داده بودند. در تبعید، در هر دو کشور، بامبا به مراقبه و نوشتن در باره اسلام و به چالش کشیدن حکومت استعماری فرانسه ادامه داد. اصول سیاسی او در غالب شعر توسط شاگردانش گردآوری شده است. پس از آنکه فرانسوی ها مطمئن شدند او قصد ایجاد یک جنگ مسلحانه را علیه آنها ندارد، توسط همان دولت فرانسوی که او سرسختانه با آن مبارزه می کرد به رسمیت شناخته شد و با احترام از او نام برده شد. پاره ای از تحلیلگران معتقد اند این سیاستی بود که فرانسوی ها در مدیریت افکار عمومی به کار بردند و تا پیروان بامبا را از تعقیب نمونه های جنگ جویانه ی مقابله با فرانسه بر حذر دارد.

اخوت دینی که بامبا در سنگال آغاز کرد در غرب آفریقا بزرگترین است و تاثیر خود را بر غرب اروپا و آمریکای شمالی به جای گذاشت. شهری که بامبا بنیان گذاشت، توبا، به عنوان شهر نیمه مستقل که توسط جانشینان و پیروان او اداره می شود؛ (بسیار شبیه واتیکان.)

در حال حاضر در سنگال، کمپین های مدنی متعددی وجود دارد. از جمله چند گروه صوفی، سازمان های غیر دولتی مانند سازمان ملی حقوق بشر RADHO، اتحادیه های معلمان، که در یک اعتصاب تقریباً دائمی بعد از انتخاب مجدد واد در سال 2007 بوده اند، اتحادیه های دانشجویی و نیز روحانیون کاتولیک برای که عبدالله واد و سیاست های او را به چالش بکشند.

در حالی که مفهوم مقاومت مدنی از گذشته سنگال تغییر چندانی نکرده است، فضایی که در آن این مقاومت مدنی ادامه پیدا کرده است تغییر شگرفی کرده است. برخی از فعالین کنونی کمپین هایی را با محوریت اینترنت ادامه می دهند از موسیقی، رسانه های نو و سایر مدل های اعتراض نظیر گرافیتی استفاده می کنند. مردم سنگال راهپیمایی و تظاهرات را هم انجام می دهند اما در فضایی محدود. تعداد زیادی از نهاد های رسانه ای به صورت شخصی کنترل می شوند و تعداد زیادی از مقامات دولتی در حوزه عمومی مورد بازخواست قرار می گیرند. به عنوان مثال، روزنامه نگار برجسته، لطیف کولیبالی، به خاطر نوشتن کتابی انتقادی از عبدالله واد به فاصله کمی بعد از رییس جمهور شدن او دستگیر و زندانی شد. سایر روزنامه نگاران و مخالفین از این استفاده کردند و واد را به عدم توانایی در انتقال قدرت پس از دوره نخست متهم کردند. گفته می شود پس از آن او موافقت کرد که مقاله های تندى علیه او نوشته شود. واد بارها با دستگیری روزنامه نگاران و از بین بردن اعتراضات پاسخ داده است. اعضا حزب حاکم او همین طور به اعضا اپوزسیون حمله ور شدند. بر اساس یک فرهنگ شفاهی مخالفان پیام هایشان را بر شکل نوارهای موسیقی ضبط می کردند تا سیاست های واد را نقد کنند.

بحث جالبی در جریان است که ائتلاف دیگری ایجاد شود و واد و حزب او را در انتخابات 2012 به چالش بکشد، پس از تحریم انتخابات توسط احزاب مخالف در ژوئن 2007، به ویژه پس از تغییرات واد در قانون اساسی برای افزایش دوره ریاست جمهوری به هفت سال که قرار است پس از سال 2012 اجرایی شود. تحریم ژوئن 2007 درخواست شد چرا که واد و حزب او که کنترل مجلس ملی را در اختیار داشتند انتخابات را برای سه نوبت به تاخیر انداختند مخالفان نیز گفتند که او

در کمیسیون انتخابات که باید مستقل باشد نفوذ داشته است. بر اساس نظر فعالین و تحلیلگران سیاسی، مبارزه تاریخی برای ساختن و تقویت دموکراسی در سنگال در سومین و حساس ترین فاز خود قرار دارد. اولین فاز زمانی بود که کارگران، دانشجویان و رهبران مذهبی دولت استعماری را به چالش کشیدند. دومین فاز زمانی بود که مردم علیه سنگور و ضیوف برای چند حزبی بودن واقعی مبارزه می کردند و اکنون سومین فاز برای عقب راندن واد از قدرت و باز کردن فضای دموکراتیک برای بازیگران غیر حکومتی است.

وضعیت امروز:

اوضاع سنگال در دوران زمام داری واد هم خوب بوده است و هم بد. به عنوان مثال، شخصیت بین المللی سنگال بهبود یافته است و نیز حجم مبادلات اقتصادی و درآمد توریسم در پی آزاد سازی اقتصادی بر اثر سیاست های او بیشتر شده است. جاده ساخته شده است و برق که تا زمان او فقط در مناطق شهری و مراکز پر جمعیت در دسترس بود اکنون از طریق روش پربازده انرژی خورشیدی به روستاهای دور افتاده نیز آمده است. برای مدتی پس از به قدرت رسیدن واد، سنگال نمونه بارزی از دموکراسی در قاره ای بود که کودتا، جنگ های داخلی و دیکتاتورهای خونریز در آن حضور داشتند. اندک بهبودی در درآمد سرانه و صلح نسبی پس از جنگ داخلی طولانی در استان جنوبی کازامنس دیده شد. اما نشانه های از فساد، رانت خواری و نقض حقوق شخصی و جمعی اعتراض و آزادی بیان توسط حکومت واد به تدریج چهره دموکراتیک سنگال را تخریب می کند.

در واقع، رقبای سیاسی حکومت مدعی اند که هزینه های سیاست های لیبرال واد در کنار ماهیت اقتدارگرای او بسیار بزرگتر از ظاهر توسعه اقتصادی است. بسیاری معتقداند طبقه اشراف و سیاسیون الیگارشی جدیدی ساخته اند و به جمع آوری ثروت به هزینه مردم عادی مشغول اند. تعاونی های کشاورزی خصوصی شده اند و دسترسی مستقیم به بازار توسط کشاورزان و نیز بازگشت عادلانه سرمایه لطمه خورده است. قوه مقننه ی سنگال ضعیف است استقلال کمیسیون انتخاباتی ملی از سوی رییس جمهور با اشکالاتی رو به رو شده است. با داشتن اکثریت مطلق در مجلس ملی واد زمان برگزاری انتخابات را بارها تغییر داد. مجلس ملی در دسامبر 2005 به تعویق انتخابات مجلس سال 2006 رای داد. این انتخابات ها

طوری برنامه ریزی شده بود که با انتخابات فوریه 2007 برای ریاست جمهوری همزمان باشد اما دوباره زمان آن تغییر کرد و برای سومین ژوئن 2007 تعیین شد. انتخابات ژوئن توسط 12 حزب مخالف تحریم شد، از جمله حزب حاکم قبلی حزب سوسیال دموکرات، که با 35 درصد مشارکت کننده، رکوردی از نظر اندکی جمعیت مشارکت کننده را ثبت کرد. تمامی اقدامات واد در رابطه با انتخابات با مخالفت شدید اپوزسیون مواجه شد و بسیاری در تعهد واد به قانون اساسی سنگال و روح دموکراسی خواهانه آن تردید کردند. حتی برخی او را به این متهم کردن که کیش شخصیت را وارد صحنه سیاست کشور کرده است. او به این متهم شد که خود را تجسم امیدها و آرزوهای مردم سنگال می داند. او همچنین با این اتهام روبه رو بوده است که به قیمت برنامه های داخلی کشور تلاش می کند خود را در عرصه منطقه ای و بین المللی مطرح کند. علاوه بر آن، حکومت واد به تازگی به نقض گسترده حقوق بشر، به ویژه حقوق زندانیان اعم از سیاسی و غیر سیاسی، متهم نیز شده است. نقض حقوق زنان و سوءاستفاده از دانش آموزان اسلامی توسط معلمان قرآن شان رو به تزايد است. وضع اداره کشور و اوضاع سیاسی رو به وخامت است و فساد به همراه آن، رو به ازدياد است در همین حال محاکمه و زندانی کردن روزنامه نگاران نیز افزایش پیدا کرده است. یک مثال آن، این است که در اوایل سال 2010، مامورین دولتی واد، تلاش کردن از یک شرکت مخابراتی مستقر در لوکزامبورگ، میلی کام، دویست میلیون دلار رشوه بگیرند. همین طور واد به مامور صندوق بین المللی پول دویست هزار دلار داد که بسیاری معتقد اند با تلاش برای تحت تاثیر قرار دادن گزارش صندوق بین المللی پول و وام های مربوط به آن بوده است.

این واقعیت ها از نگاه جامعه مدنی و گروه های مخالف که اعتراضات جولای 2010 را ترتیب دادن دور نمانده است، علاوه بر مشکلات سیاسی افزایش قطعی برق کار انبارداری محصولات را برای تاجران و کشاورزان غیرممکن می کرد. اگرچه حکومت اعتراضات را ممنوع اعلام کرد و همان طور که رییس RADDHO آلیونه تینه می گوید تصمیم حکومت نقض قانون اساسی سنگال و سوءاستفاده از قدرت است؛ اعتراضاتی که پیش تر توسط ائتلاف جدید «اتحاد برای پیشرفت سنگال» فراخوانده شده بود و توسط حکومت ممنوع اعلام شده بود بالاخره در 14 اگوست 2010 در نفی دستور حکومت برگزار شد. شهردار پرنفوذ پایتخت، خلیفه ابوبکر سال، در همبستگی با مردم این شهر به این اعتراضات پیوست. رهبر

مخالفان و نخست وزیر قبلی واد، مصطفی نیاسه، و رهبر باسابقه اپوزسیون عبدالله بچلی نیز در این اعتراض شرکت کردند. این بار حکومت در یک کنفرانس مطبوعاتی پاسخ داد و گروه های اپوزسیون را «ترسو و کم مایه» خواند.

در میانه این انتقادات، اپوزسیون و جامعه مدنی در سنگال در تلاش اند تا حکومت واد را با حکومت جدیدی متشکل از ائتلافی از احزاب مخالف جایگزین کنند. «ائتلاف تغییر» که واد را انتخاب کرد اکنون به دنبال جایگزینی برای اوست. علی رغم شکافی که که میان احزاب مخالف وجود دارد و علاقه واد به کار اطلاعاتی و نیز عدم تحمل یک جنبش بزرگ آرام آرام علیه او صف آرای می کنند.

تا بدین جا، سی حزب مخالف ائتلاف کرده اند - Benno Sigil Sengal، تا در برابر واد در انتخابات 2012 بیاستند. شرکای این ائتلاف جدید از جمله حزب حاکم قبلی سوسیال دموکرات، جبهه سوسیالیسم و دموکراسی و جنبش اصلاحی برای توسعه اجتماعی. این ائتلاف زمینه را برای جلوگیری از تقلب انتخاباتی آماده می کنند. نشانه هایی از قدرت هم دیده شده است برای مثال انتخابات شهرداری و شورای شهر داکار توسط این گروه برده شد. این از آن رو اهمیت دارد که خود واد هم در زمان ضیوف ابتدا به شهرداری داکار رسید و پس از آن زمینه رییس جمهور شدن اش مهیا شد. ائتلاف «بی اس اس» شهرداری سنت لوییس، شهر بندری بازسازی شده را نیز از آن خود کرد. علی رغم این پیشرفت ها این ائتلاف در انتخاب فردی که پرچم دار آن در انتخابات پیش رو باشد ناتوان است. پیوستن چند حزب مخالف به ائتلاف شانس شکست واد و دولت او را در انتخابات 2012 کاهش می دهد.

علی رغم فقدان اتحاد کامل میان اپوزسیون، عدم محبوبیت واد رو به ازدیاد است و عبدالله واد و رژیم او نیز به تقویت این جزیان کمک می کنند. برای مثال، پس از تحریم انتخابات مجلس در 2007 احزاب مخالف عمده خواستار مذاکره برای تغییر قانون انتخاباتی مجلس شدند که به صورت ساختاری امتیازات زیادی را به رییس جمهور می دهد. واد همواره گفتگو در این زمینه را رد کرده است اما با برگشتن ورق در عرصه سیاسی این گفتگو ها برای او اهمیت بیشتری پیدا کرده است تا اپوزسیون. ائتلاف واد که با آن انتخابات 2007 به پیروزی رسید در حال تجزیه شدن است و او در تلاش است با دادن پست های کلیدی به به احزاب درون ائتلاف اش اتحاد از دست رفته را به این ائتلاف برگرداند و آنها را به خود وفادار نگه

دارد. یکی از آنها انتخاب امین‌تال به یک پست درجه یک در کابینه است و آغاز دوباره مذاکرات با نخست وزیر سابق اش ادريس سک که حزب مخالف اش در انتخابات 2007 بعد از حزب واد در رده دوم ایستاد.

همراه با سازمان یافته تر شدن جامعه مدنی و مشارکت بیشتر آن در صحنه سیاسی کشور و نیز صف آرایي احزاب مخالف و تلاش برای کسب حمایت افشار مختلف جامعه و نیز جامعه مدنی سنگال، یک ائتلاف متحد در انتخابات بزرگ سال 2012 بخت خوبی برای پیروز شدن دارد.